

ولایت لهوگر

دگرگونی ستراتیژیک یک جامعه کهن

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

بخش دوم



در افغانستان تولیدات زراعتی در مناطق کوهستانی، یک زراعت خود کفا فقط برای امرار زندگی، نظر به ضعیف بودن حاصلات می باشد. در حالیکه در دره ها زمین های زراعتی اکثراً و به صورت نسبی باعث تجمع غنا و امکانات اقتصادی که توسط تولیدات زراعتی متنوع به وجود می آید، مشخص می گردد.

در مناطق کوهستانی تجمع نفوس کم و زمین نسبتاً به صورت مساویانه بین اهالی تقسیم گردیده است، تشکیلات اجتماعی بسیار کم، و به اساس سلسله مراتب سازمان دهی می گردد.

این مکان های کوهستانی بالای چندین ولسوالی در ولایت لهوگر تقسیمات گردیده اند:

ولسوالی خروار در جنوب در همان جا که زمین در ارتفاعات بلند بالای حاشیه شرقی ولسوالی پُل علم و هم چنان کوچی و ازره قرار دارند. آبیاری زمین ها توسط دریای لهوگر، که در غرب ولایت از بالای سلسله کوه های که سرحد

بین ولایت لاهور و وردک را تعیین می کند، صورت می گیرد. و همچنان امتداد این کوه به طرف شرق و شمال - شرق سبب تقویه دریا در بالای کرانه راست آن می گردد.

در یک منطقه در کنار هم بودن بین دو نمونه بی تشکیلات اجتماعی که یکی آن عبارت از محدودیت و قید و بند های محیطی مناطق کوهستانی، تفاوت بین ساختار های تولیداتی، و دره های هموار که دارای ارتفاع پائین و تولیداتی زیاد می باشند، توضیح و تشریح می شود.



ولسوالی خروار، توزیع گندم

و این دو بخش بودن تولیدات در مناطق هموار و مناطق ارتفاع بلند از نقطه نظر اصطلاح سیاسی خود را با تقابل بین مناطقی که گفته می شود ننگ (nang)، که دارای تولیدات کم و به صورت اندک با ادارات دولتی ارتباط دارند. مثل ولسوالی های جنوب و شرق ولایت لاهور، و بر عکس در جاهای که قلنگ (qalang) گفته می شود، در آن جا ها دولت حضور داشته و مالیات اخذ می کند.

اصطلاح ننگ اطلاق می شود به غیرت، شرف، آبرو، حیثیت، افتخار، که به اهالی مناطق کوهستانی، که از نقطه نظر نژادی و قبیله ای با هم بسیار نزدیک بوده و دارای ارزش های مانند غرور، شجاعت و دلاوری، که با مناطق قلنگ که دولت را یعنی یک قدرت سیاسی خارج از تشکیلات محل را قبول می کنند در تقابل هستند.

اصطلاح قوم که برای تعریف کردن یک «گروه یا جمعیت» استعمال می شود، تعیین کننده یا نشان دهنده یک شبکه اجتماع که یک واحد اجتماعی - اقتصادی را در داخل فعالیت های زراعتی تشکیل داده که در بین اعضاء مختلف تقسیم می گردد. این شبکه اجتماع مطابقت به یک فامیل گسترده می کند که اعضای آن از یک دیگر توسط اصل و نصب تفریق می شوند، که این در بین دیگر اقوام، غیر قبایلی (non - tribal) نیز دیده می شود. در بین شبکه، تقسیمات غنای اساسی و اصلی، زمین و زن توسط مقررات و قوانین موروثی و مقررات نکاح ترجیحی، تعیین و تجویز می شود. این قوانین بدون تدوین (non - codifiées) به صورت غیر رسمی در داخل رسم و رواج ها نهادینه شده اند، که عبارت از عرف، عادات و رسوم می باشد، به عباره دیگر سنت ها (Tradition) (coutume).

به این شکل استعمال عرف و رسوم در مناطق کوهستانی گسترده تر، و سبب حفظ و نگهداری یک سیستم اجتماعی گردیده، که توسط آن مساوات و برابری را بنیاد نهاده اند. که این دلالت به یک سیستم دورانی زمین در بین پشتون ها می کند. (Wech) تاریخ فرهنگ صفحه ۴۳.

در مناطق هموار و دره ها در ارتفاعات پائین گسترش رسوم، به شیوه و روش خاص می باشد، و در این مناطق از شجره نامه یا نسب نامه برای نظم دادن، حفظ و نگهداری یک ساختار و نظم اجتماعی که تهداب آن بالای شبکه های حمایت گر گذاشته شده، استفاده می گردد. این پدیده دوم یعنی شبکه های حمایت گر، بالای یک پروسه بسیار وسیع موروثی که عبارت از تجمع غنای اقتصادی در داخل یک دودمان یا تبار بوده، و به صورت بارز و سلطه جو عمل می



هیئت توزیع گندم

نماید، که عبارت از پدیدار شدن سلسله مراتب اجتماعی، به وجود آوردن رابطه ها بین بزرگان محلی (خان) (Khân) و شبکه های حمایت گر، بارز و سلطه جو و اشکال مختلف طبقات مردم را در داخل عین تبار در بر میگیرد.

(نوت: این دو لغت ننگ و قلنگ یک موضوع مرکزی در انتروپولوژی سیاسی پشتون ها می باشد.)

ادامه دارد